

مناسبات ایران و ترکیه

نوشته دکتر چنگیز پهلوان

ترجمه علیرضا طیب

منبع: Turkey's Role in the Middle East
Washington 1996

عقد پیمان سعدآباد در تهران میان ایران، ترکیه، عراق و افغانستان منجر شد. ۲. غرب از این پیمان استقبال کرد و آن را گامی به سوی حفظ و تقویت صلح و ثبات منطقه دانست. اما رویدادهای جنگ جهانی دوم و اشغال ایران توسط ارتش‌های متفقین نشان داد که این قرارداد در مواقع بحرانی کارایی ندارد چرا که ورود سربازان متفقین به خاک ایران در سال ۱۹۴۱ عواقب وخیمی برای ثبات سیاسی کشور ایران به بار آورد. اما همین واقعه نشانه اهمیت استراتژیک ویژه ایران نزد قدرتهای جهان بود که البته حتی در آن زمان هم قابل مقایسه با اهمیت ترکیه نبود. در دوران پس از جنگ هم ایران و ترکیه هر یک اهمیت خاصی در استراتژی غرب در برابر کمونیسم شوروی داشتند. بازتاب این اهمیت را می‌توان در پیمان بغداد (۱۹۵۵)، سازمان پیمان مرکزی یا سنتو (۱۹۵۹) و سازمان همکاری منطقه‌ای برای توسعه یا آرسی‌دی (۱۹۶۴) دید که همگی با هدف مقابله با توسعه‌طلبی اتحاد شوروی طراحی شده بودند.^۴

اما تاریخچه مناسبات ایران و ترکیه در طول سده بیستم نشان می‌دهد که این روابط گهگاه با دشواریهایی نیز همراه بوده است. برای نمونه، در سال ۱۹۲۷ ارتش ترکیه در تعقیب شورشیان گرد آن کشور وارد خاک ایران شد اما برخلاف انتظار، ستونی از سربازان ترک به اسارت کرده‌ها در آمدند. دولت ترکیه به تصور اینکه این سربازان به

مناسبات میان ایران و ترکیه تاریخی طولانی و پیچیده دارد. شالوده روابط دو کشور در دوران نو به دست رضاشاه، بنیانگذار سلسله پهلوی طی دیداری که در سال ۱۹۳۴ از ترکیه به عمل آورد ریخته شد. در آن زمان رهبران دو کشور سرگرم مبارزه با سنت‌های تاریخی دست‌وپاگیرشان و تلاش برای استقرار نهادهای نو با هدف دستیابی به تمدن غرب بودند.^۱ دو کشور با غلبه برپیشینه‌ای از جنگ و برخورد درحالی‌ها به سده بیستم میلادی گذاشتند که فصلی تازه از همکاری را با یکدیگر آغاز می‌کردند.

در هنگام دیدار رضاشاه از ترکیه، دو دولت همسایه اهداف مشترک چندی داشتند. هر دو برای جداساختن دولت از سنت و دین تلاش می‌کردند. هر دو با تهدید خارجی و نیز داخلی گسترش نفوذ کمونیست‌ها روبرو بودند. از دید آنها کمونیسم هم مانند سنت می‌توانست سبب از هم گسیختگی روند نوسازی شود و به روابط نوپای دو کشور با غرب لطمه وارد سازد. اینگونه دلمشغولی‌های مشابه زمینه‌ساز امضای چندین موافقت‌نامه شد به گونه‌ای که در فاصله سال‌های ۱۹۲۶ و ۱۹۳۷ مجموعه‌ای از موافقت‌نامه‌های گمرکی، مرزی، بازرگانی و امنیتی میان دو کشور به امضا رسید.^۲

گرچه این دوره هم تنش‌های خاص خود را داشت ولی حسن‌نیت حاصل از مناسبات تازه بر فضا حاکم بود و سرانجام در سال ۱۹۳۷ به

۱۹۵۳ تغییرات مشابهی را از سر گذرانده بود؛ اما با وجود بی‌ثباتی داخلی، موضع مشترک دو کشور در برابر اتحاد شوروی و کمونیسم آنها را به صورت همپیمانان پر ارزش غرب درمی‌آورد و مشوق همزیستی مسالمت‌آمیز آن دو بود.

هویت اسلامی پس از انقلاب ۱۹۷۹

پس از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ در ایران، مناسبات ترکیه و ایران وارد مرحله جدیدی شد.^۷ هدف این انقلاب تأثیر گذاشتن بر جهان اسلام و رهبری آن بود؛ هرچند تعریف دقیق و روشنی از «جهان اسلام» به دست داده نمی‌شد. ترکیه با سمت‌گیری‌های غیرمذهبی خود سر آن داشت تا به میراث عرفی و ملت‌گرایی ترکی آناتورک مؤمن بماند. تباین جهان‌بینی دو کشور روابط آنها را دستخوش دشواریهایی می‌ساخت. برای نمونه، چون انقلابیون ایرانی، کمال آناتورک رادوست و هم‌مشرّب رضاشاه می‌شناختند از ادای احترام در برابر آرامگاه او حتی در جریان دیدارهای رسمی سر باز می‌زدند. ترکیه با تلخکامی این رفتار را تحمل می‌کرد و با سرسختی بر فرهنگ غیرمذهبی خود پای می‌فشرد.

طبعاً جمهوری اسلامی ایران در چشم عناصر مذهبی ترکیه تا حدودی جذابیت دارد اما باید یادآور شد که جنبش‌های مذهبی داخلی ترکیه دست‌ساخته انقلاب ایران نیستند و خطاست اگر ایران را تنها منبع جنبش‌های مذهبی در منطقه بدانیم. این گونه نتیجه‌گیریها از آنرو که توانایی ایران برای اعمال نفوذ بر جنبش‌های مذهبی داخلی کشورهای منطقه را اغراق‌آمیز جلوه می‌دهد گمراه‌کننده است. در ترکیه نیز مانند دیگر کشورهای خاورمیانه گذار از ساختارهای سیاسی قدیمی به دولت‌های نو هنوز به فرجام خود نرسیده است. هنوز بخشهایی از جامعه که نسبت به ساختار سیاسی موجود احساس بیگانگی می‌کنند می‌کوشند آرمان‌های خویش را از مجاری مختلف مذهبی، سیاسی و غیر آن عملی سازند.

اما روزنامه‌های ترکیه مدعی‌اند که جنبش مذهبی داخلی آن کشور دست‌ساخته جنبش ایران است.^۸ در سال‌های اخیر گزارش‌های مختلف نشان از گرایش فزاینده ترکیه به اسلام داشته است.^۹ گرایش‌های مذهبی ترکیه بویژه در زمان شدت گرفتن تورم و ناامنی اقتصادی، نه زاده مداخله خارجی بلکه محصول وضع داخلی ترکیه است. خود دولت ترکیه برای جلوگیری یادست‌کم مهار کردن گرایش‌های تند مذهبی به فعالیت مذهبی متوسل شده است.^{۱۰} تشکیلات مذهبی در ترکیه همچون یک دیوانسالاری است و کسانی که برای آن فعالیت می‌کنند کارمند دولت محسوب می‌شوند. جالب آنکه همین نهاد مذهبی تحت نظارت دولت، نقشی اساسی در گسترش و تعمیق گرایش‌های مذهبی در ترکیه ایفا کرده است. براین پایه ترکیه همچنان در برابر یک پرسش قدیمی قرار دارد: آیا می‌توان ترک بود ولی

تهران انتقال یافته‌اند و در بازداشت دولت ایران هستند سفیر خود را از تهران فراخواند. تنش میان دو کشور بالا گرفت و روابط آنها تیره شد تا آن که سرانجام با توضیحات دولت ایران بحران فروکش کرد، گفتگوها از سر گرفته شد و در پایان به عقد یک معاهده گمرکی در ژوئن ۱۹۳۰ و یک موافقت‌نامه مرزی در ژانویه ۱۹۳۲ انجامید.

در طول دوران سلطنت محمدرضا پهلوی از ۱۹۴۱ تا ۱۹۷۹ نیز روابط ایران و ترکیه دستخوش تنش‌هایی بنیادی بود. برای نمونه، دو کشور بر سر مقرراتی که ترکیه برای عبور کامیون‌های ایرانی از جاده‌های آن کشور وضع کرده بود با هم اختلاف نظر داشتند. در یک نوبت دولت ایران در پاسخ به اظهارات سفیر ترکیه سفیر خود را موقتاً از آنکارا فراخواند. سفیر ترکیه در بازگشت از تعطیلات خود به تهران در یک سخنرانی گفته بود در طول سفر از مرز ترکیه تا تهران احساس می‌کرده است که در کشور خود رانندگی می‌کند. شاه از این سخن خشمگین شده بود.^۵

اما به طور کلی از نظر تهران تبلیغات آنکارا به نفع ملت‌گرایی ترک راهی برای ایستادگی ترکیه در برابر تهدید شوروی بود. رژیم پهلوی از ملت‌گرایی ایرانی استفاده تدافعی می‌کرد و هدفش حفظ یکپارچگی کشور بود حال آنکه ایدئولوژی ملت‌گرایی ترک توسعه‌طلبانه به‌شمار می‌آمد.^۶ هرچند تهران با اعتقاد به این که در مواقع بحرانی نمی‌توان روی ترکیه حساب کرد (بویژه از زمان اثبات ناکارایی پیمان سعدآباد در طول جنگ جهانی دوم) گهگاه دچار نگرانی می‌شد ولی دو کشور پیوسته در جهت کاستن از تنش‌ها از طریق گفتگو تلاش می‌کردند.

کشور ترکیه که بهره‌چندانی از منابع نفت ندارد پس از افزایش چشمگیر و ناگهانی قیمت‌های نفت در ۷۴-۱۹۷۳ از نظر اقتصادی دچار مشکل شد و پیوسته گرفتار کمبود ارزی بود. در همان زمان این کشور دگرگونی‌های بزرگی از جمله آشفته‌گی‌های داخلی و به‌قدرت رسیدن نظامیان را تجربه می‌کرد. ایران نیز در فاصله سال‌های ۱۹۴۱

● تاریخچه مناسبات ایران و ترکیه در طول سده بیستم نشان می‌دهد که با وجود حاکم بودن جو حسن‌نیت، این روابط گهگاه نیز با دشواریهایی همراه بوده است.

● با وجودی که جمهوری اسلامی ایران در چشم عناصر مذهبی ترکیه جذابیت دارد اما جنبش‌های مذهبی داخلی ترکیه دست‌ساخته ایران نیست.

مسلمان نبود؟ این پرسش که هرگز برای ایرانیان مطرح نبوده همواره یکی از پرسش‌های درآمیکته با هویت ترکیه بوده است.

عمده‌ترین مسائل در مناسبات ایران و ترکیه

تنش میان ایران و ترکیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، جدای از متفاوت بودن رویکرد دو کشور به مذهب، ریشه‌های دیگری از جمله مسئله کردها، وضع جمهوری آذربایجان پس از فروپاشی اتحادشوروی، و فعالیتهای ایرانیان مهاجر در ترکیه نیز داشته است. اما با وجود این اختلافات، دو کشور برای همکاری راه‌هایی مانند تشکیل سازمان همکاری اقتصادی (اگو) پیدا کرده‌اند.

از زمان فروپاشی امپراتوری عثمانی پس از جنگ جهانی اول ایدئولوژی ملت‌گرایانه ترکیه اقلیت‌های غیر ترک آن کشور را زیر فشار قرار داده است. آبشخور ملت‌گرایی ترکیه در ابتدا اندیشه تشکیل نیرویی بود که فراتر از مرزهای ترکیه دامن‌گسترده و با یکپارچه ساختن تمام ترک‌ها در چارچوب یک ساختار نو ولی تعریف نشده، «ملت ترک» را پی‌ریزی کند.^{۱۱} این ایدئولوژی باید برای ترکی‌زبانان دور و نزدیک در آسیای مرکزی و ایران و قفقاز جذابیت می‌داشت. نقشه‌ها و دائرةالمعارف‌های منتشر شده در ترکیه و مقالات نگاشته شده به قلم روشنفکران ترک هدفی جز اعمال نفوذ بر سیاست خارجی این کشور در جهت این مقصود دنبال نمی‌کرد. این گونه دیدگاه‌های توسعه‌طلبانه همواره ایران را نگران می‌ساخت زیرا این کشور احساس می‌کرد که ملت‌گرایان ترک به خاک ایران چشم طمع دوخته‌اند؛ طمعی که گاه از نواحی مرزی فراتر می‌رفت و تا تهران دامنه می‌یافت.^{۱۲}

برعکس، پس از انقلاب ۱۹۷۹ ایدئولوژی ملت‌گرایانه ایرانی که همواره جویای تقویت یکپارچگی ملی بود از سوی قدرت‌های منطقه که تبلیغات بدبینانه درباره صدور احتمالی انقلاب اسلامی آنها را نگران ساخته بود با حیرت و هراس تلقی شد. اندیشه صدور انقلاب پس از آغاز انقلاب با تلاش برای یکپارچه ساختن همه جهان اسلام رابطه تنگاتنگ داشت [...].

با این حال، انقلاب اسلامی ایران الهام‌بخش و محرک جنبش‌های اسلامی در دیگر کشورها بوده است. در عین حال، باید یادآور شد که سابقه پاک‌رفتن جنبش‌های اسلامی بویژه در خاورمیانه دستکم به آغاز سده بیستم بازمی‌گردد. خود امپراتوری عثمانی محرک برخی از این جنبش‌ها بود.^{۱۳} اکثر اندیشمندان این نهضت‌ها از دیگر کشورهای خاورمیانه جز ایران برخاسته بودند ولی تردیدی نیست که بر ایران نیز تأثیر گذاشتند. این گفته در مورد دیگر جنبش‌های غیراسلامی هم صادق است. برای نمونه جنبش فلسطین بر جوانان انقلابی ایران تأثیری بیش از آن داشته است که انقلاب ایران بر جنبش فلسطین. بسیاری از جوانان انقلابی غیر کمونیست ایرانی در طول حکومت شاه با جنبش فلسطین ابراز همدردی می‌کردند.^{۱۴}

بنابراین، اینکه ایران را علت‌العلل تمامی جنبش‌های اسلامی منطقه بدانیم چیزی جز ساده‌انگاری درباره پدیده پیچیده‌ای که به تحلیلی جداگانه و جامع نیاز دارد نیست. گرچه انقلاب اسلامی ایران بر گروه‌های شیعی موجود در منطقه نفوذ بیحدی دارد ولی به هیچ وجه نمی‌توان این حکم را در مورد همه گروه‌های اسلامی یا حتی همه گروه‌های شیعی تعمیم داد [...].

به رغم تلاش‌های آنکارا برای جلوگیری از تکرار انقلاب اسلامی، جنبش‌های اسلامی ترکیه اوج گرفته‌اند. اما ریشه این اوجگیری به سرچشمه‌های صرفاً داخلی خود ترکیه بازمی‌گردد [...]. دولت ترکیه که از حمایت و پشتیبانی ناتو برخوردار است^{۱۵} همواره فرصت را مغتنم شمرده و نسبت به خطر توسعه‌طلبی اسلامی هشدار داده است. این سیاست انگیزه دیگری هم دارد: دولت ترکیه بدین ترتیب نه تنها می‌کوشد نیروهای غیرمذهبی کشور را ساکت کند بلکه سعی دارد به غرب نشان دهد که ترکیه در سد کردن راه نفوذ ایران نقش فعالی ایفا می‌کند. این ادعا گرچه دروغ است ولی برای ترکیه انواع مزایای اقتصادی را به همراه می‌آورد.

به طور کلی، ترکیه و ایران جهان‌بینی‌ها و ایدئولوژی‌های متفاوتی دارند که احتمالاً هرگز نمی‌توان آنها را به طور کامل با هم سازگار ساخت. اما این نوع اختلافات لزوماً نباید بر جایگاه استراتژیک و ارتباطات بین‌المللی هر یک از آنها تأثیر گذارد.

ترکیه: همپیمان یا کارگزار غرب؟

درست همان گونه که تصویر ایران در ترکیه چندان مثبت نبوده است، ایران هم از زمان پیروزی انقلاب، تصویری منفی از ترکیه در ذهن داشته است. بسیاری از رهبران انقلاب اسلامی پیوسته آتاتورک بنیانگذار ترکیه نو را همپیمان رضاشاه و دشمن اسلام‌گرایان دانسته و بر این باور بوده‌اند که ترکیه از مسیر اسلام منحرف شده است. مهم‌تر این که آنان معتقدند ترکیه به عنوان همپیمان غرب در جهت منافع ایالات متحده عمل می‌کند.

● ترکیه همچنان در برابر یک پرسش قدیمی قرار دارد: آیا می‌توان ترک بود ولی مسلمان نبود؟ این پرسش که هرگز برای ایرانیان مطرح نبوده همواره یکی از پرسش‌های درآمیکته با هویت ترکیه بوده است.

● با توجه به تلاش‌های پیشین ترکیه جای شگفتی نیست که نه تنها ایران بلکه روسیه و آمریکا هم با بدبینی به حضور ترکیه در منطقه می‌نگرند.

تلاش برخی کشورها برای ساخت جنگ افزارهای اتمی ابراز نگرانی کرده است.^{۱۹} تأکید ارتش ترکیه بر نقش نظامی این کشور سبب تشدید نگرانی کشورهای همسایه می‌شود. این تأکید با مبالغه مستمر برخی افراد در ترکیه در مورد خطر بنیادگرایی اسلامی همراه است.

پس از جنگی طولانی با عراق، ایران همه‌انگیزه‌های لازم را برای پرهیز از درگیری با ترکیه دارد و مقامات ایرانی پیوسته کوشیده‌اند تا به‌رغم اختلاف نظر دو کشور با ترکیه به توافق برسند. اما برخی اقدامات ترکیه موجب بروز بحران در مناسبات دو کشور و برانگیختن واکنش‌های هیجانی در ایران شده است. برای نمونه، در فوریه ۱۹۹۴ ارتش ترکیه در تعقیب فعالان کرد حزب کارگران کردستان (پ‌کاکا) روستاهای مرزی ایران را هدف آتشباری قرار داد.^{۲۰} در این حادثه نه نفر کشته و نوزده نفر زخمی شدند. واکنش ایران در برابر بمباران روستاهایش حزم‌اندیشانه بود و اجازه داد یک گروه تحقیق از ترکیه به ایران بیاید. پس از آن دولت ترکیه از تهران بوزش خواست.^{۲۱} نمونه‌ای دیگر از ضعف داوری ترکیه در چشم مقامات ایرانی توقیف یکساله کشتی باربری کاپ مالیس (CapMaleas) بود که به گمان شرکت این کشتی در قاچاق اسلحه برای حزب کارگران کردستان ترکیه صورت گرفت. این کشتی پس از آنکه وزیر کشور ترکیه اعتراف کرد که توقیف آن زاده یک خطا بوده است آزاد شد.^{۲۲}

سرمقاله روزنامه کیهان در ۱۰ مارس ۱۹۹۴ ترکیه را به دلیل رو به زوال بودن اقتصادش، حل نشده ماندن مسئله کردها، سرکوب نیروهای مردم‌سالار داخلی و بالا گرفتن فعالیت‌های اسلام‌خواهان گرفتار وضعی بحرانی می‌داند.^{۲۳} در همین سرمقاله آمده است که به‌همین دلایل، نظامی‌گری در ترکیه در حال اوجگیری است و صنایع تسلیحاتی آن کشور آرزومند گسترش می‌باشد. در نتیجه، ترکیه

● ترکیه و ایران جهان بینی هاوایدئولوژی های متفاوتی دارند که احتمالاً هرگز نمی توان آنها را بطور کامل باهم سازگار ساخت. اما این نوع اختلافات لزوماً نباید بر جایگاه استراتژیک و ارتباطات بین المللی هر یک از آنها اثر گذارد.

● موقع جغرافیایی ایران و جمهوری ارمنستان مانعی فیزیکی بر سر راه ورود ترکیه به قفقاز و آسیای مرکزی است. از این رو، ترکیه به روابط حسن همجواری با ایران پیش از هر کشور دیگر منطقه نیاز دارد.

ترکیه به دلیل توجه به منافع کوتاه مدت و محاسبات کوتاه اندیشانه در طول جنگ عراق با ایران نتوانست نقش میانجی را میان دو کشور بازی کند. با وجود این، جنگ به سود ترکیه تمام شد. هم ایران و هم عراق در نتیجه قرار گرفتن در انزوای بین المللی ناچار بودند به عنوان منبع اصلی کالاهای مورد نیاز خود به ترکیه تکیه کنند. این کالاها از خود ترکیه یا از غرب و از طریق خاک آن کشور وارد ایران و عراق می‌شد. ترکیه به روابط خود با عراق امید بیشتری داشت تا به مناسبات با ایران. در سراسر دهه ۱۹۸۰ جنگ با ایران، عراق را تشویق می‌کرد تا با ترکیه همکاری کاملی از جمله در زمینه مبادلات تجاری داشته باشد. بزودی ترکیه به صورت یکی از مشتریان اصلی بغداد درآمد. ۶۰ درصد نفت مصرفی ترکیه از عراق به این کشور صادر می‌شد. وقتی ترکیه دید «عراق در برابر پیشروی‌های کوبنده ایران در معرض تهدید شکست قرار دارد» وزیر خارجه ملت گرای ترکیه کامران اینان (K.Inan) علناً هشدار داد که ۴۰ درصد نفت مصرفی ترکیه از منطقه کرکوک عراق روانه کشورش می‌شود. از این گذشته او یادآور شد که «دستکم یک و نیم میلیون نفر ترک و ترکمن در مناطق شمالی عراق به سر می‌برند». اینان در عمل خواستار آن شد که چنانچه پیشروی‌های ایران به تجزیه عراق بینجامد ترکیه از حق خود برای تصرف این مناطق استفاده کند.^{۱۶}

گرچه ترکیه کشوری اسلامی است ولی تلاش مستمر آن کشور برای به نمایش گذاشتن تصویری غربگرایانه از خود نقش منطقه‌ای آن را تیره و تار ساخته است. این امر تا حدودی نتیجه جایگاه ژئوپلیتیکی ترکیه به عنوان کشوری هم‌مرز با دو قاره آسیا و اروپاست و تا حدودی هم نتیجه درپیش گرفتن هنجارهای غربی است که خود مشوق برقراری پیوندهای سیاسی و فرهنگی با غرب به زبان جهان اسلام می‌باشد. ترکیه تنها کشوری اسلامی است که پیوسته در سازمان‌های فرهنگی و نظامی غرب شرکت فعال داشته است.^{۱۷} ایران مخالف همکاری ترکیه با غرب است و قویاً اعتقاد دارد که این گونه همراهی‌ها مانع از ادغام موفقیت آمیز ترکیه در سازمان‌های منطقه‌ای می‌شود.

دولت ترکیه، این کشور را همچون عضو خط مقدم ناتو می‌شناسد. دوگان گورس (Dogan Güres) رئیس سابق ستاد مشترک ارتش ترکیه ادعا کرده است که تنگه‌های بسفرو دارانل به همراه دریای سیاه و دریای مدیترانه محوری است که تنگه جبل الطارق را به خاورمیانه و آسیای مرکزی پیوند می‌دهد.^{۱۸} این گفته نشان می‌دهد که چرا ترکیه در بخش حساسی از دنیا جای گرفته است و چرا اهمیت آن پیوسته افزایش خواهد یافت. گورس از سوریه، اسرائیل، فلسطین و لبنان به عنوان کشورهای یادی که برای ترکیه اهمیت استراتژیک دارند. وی با اشاره آشکار به ایران، از وجود جنگ افزارهای شیمیایی و موشک‌های بالستیک در منطقه و نیز از

استعداد آن را دارد که به یکی از بزرگترین قدرتهای نظامی ناتو تبدیل شود. چاپ این گونه سرمقاله‌ها نشان از نگرانی شدیدی دارد که در این کشور شایع است. به باور تهران، ترکیه به دلیل مشکلات داخلی خود از جمله درگیری با کردها ممکن است آتش جنگ را در منطقه شعله‌ور سازد. برای نمونه، سخنان ژنرال گورس در مورد اهمیت ترکیه در منطقه که در یکی از نشریات نظامی ایران به چاپ رسیده است نشان می‌دهد که تا چه حد ممکن است اوضاع ترکیه سبب نگرانی ایران شود. از آنجا که ترکیه سخت می‌کوشد خود را مدافع سیاست‌های غرب و دوست ایالات متحده در منطقه جلوه دهد طبیعی است که ایران احساس کند این کشور در واقع کارگزار خواسته‌های غرب است.

روزنامه کیهان در ماه‌های ژانویه و فوریه ۱۹۹۴ سلسله مقالاتی با عنوان «ترکیه، غرب و اسلام‌خواهی» منتشر کرد. در این سلسله مقالات با پرداختن به رشد اسلام انقلابی در ترکیه از زبان سفیر وقت ایران در ترکیه نقل شده بود که «ترکیه مردمانی ساده، مؤمن به اسلام و علاقمند به موضوعات مذهبی دارد. اما تصویری که از ترکیه به نمایش گذاشته شده است تصویری غیرمذهبی و ضددینی است... دولت این کشور که موجودیتی جدا از مردم آن دارد غیردینی است ولی مردم ترکیه قرآن و اسلام را دوست دارند... مردم به موضوعات مذهبی و شرکت در گردهم‌آیی‌های دینی علاقمندند».^{۲۴}

همین روزنامه نتایج یک بررسی دانشگاهی را نیز منتشر ساخت که براساس آن ۸۰ درصد دانشجویان ترکیه خواهان تشکیل حکومت اسلامی در کشورشان هستند. در همین مقاله آمده بود که ۳۱ درصد دانشجویان معتقدند می‌توان از طریق فرایندهای دموکراتیک اسلام را عملی ساخت ولی ۳۳ درصد آنان به این اندیشه با بدبینی و تردید می‌نگرند.^{۲۵} بدین ترتیب در این گزارش نتیجه‌گیری می‌شد که نه تنها

دولت ترکیه دلباخته غرب است بلکه ایالات متحده در جلوگیری از خیزش اسلام‌خواهی در ترکیه دست دارد. به نوشته این روزنامه، مقامات ترکیه در تلاش برای غلبه یافتن بر گروه‌های اسلام‌گرا و جلوگیری از وقوع انقلابی مانند انقلاب ایران در ترکیه «آمیزه‌ای از اسلام و ترکیسم» خلق کرده‌اند.^{۲۶}

روزنامه‌های دولتی ایران پیوسته مقالاتی درباره خیزش اسلام‌خواهی در ترکیه، خدمات این کشور به غرب و بویژه به ایالات متحده، و ابراز نگرانی از بابت تقویت قدرت نظامی ترکیه منتشر می‌سازند. اما سیاست خارجی دولت ایران مشوق روابط حسن همجواری با ترکیه است. معاون وزیر خارجه ایران ضمن اشاره به اینکه زرادخانه تسلیحاتی ایران کوچکتر از زرادخانه‌های کشورهای همسایه است و بدون اشاره مشخص به ترکیه و برای خنثی کردن نگرانی‌های غرب و کشورهای همسایه یادآور شده که در دوره ۱۹۸۹-۹۱ کل واردات تسلیحاتی ایران ۲/۸ میلیارد دلار بوده است حال آنکه عراق و عربستان به ترتیب ۱۰/۳ و ۱۰/۶ میلیارد دلار جنگ‌افزار خریده‌اند. واردات تسلیحاتی ایران در سال ۱۹۹۲ تنها ۸۵۰ میلیون دلار بوده است.^{۲۷}

کردستان

ترکیه از جمله کشورهای خاورمیانه است که بیش از همه نگران تمامیت ارضی خود است. دلیل اصلی این احساس نامنی را باید در مسئله کردها جست ولی دلیل دیگرش وجود معاهدات گذشته مانند معاهده ۱۹۲۰ سور (Sèvres) است که تمامیت ارضی این کشور را زیر سؤال می‌برد.^{۲۸} از همان سال ۱۸۸۰ امپراتوری عثمانی با مشکل خودمختاری طلبی کردها یا درخواست آنان برای جدایی و کسب استقلال کامل روبرو بود. از ابتدا مشکل کردهای ترکیه ضرورت همکاری همسایگان این کشور از جمله ایران را پیش آورده است. رویدادهایی که پس از جنگ خلیج فارس رخ داد نشان می‌دهد که هنوز ترکیه نتوانسته است نیروی لازم را برای سرکوب تقاضاهای کردها بسیج نماید.

بن‌بست مسئله کردها در ترکیه دو جنبه دارد یکی جنبه داخلی و دیگری جنبه‌ای که پای همسایگان جنوبی و شرقی ترکیه را به میان می‌آورد. تاریخ نشان داده است که بطور کلی ترکیه در برابر کردها به شیوه‌ای عمل کرده که موجب بروز مشکل با کشورهای هم‌مرز شده است. بخشی از این مشکل به عملیات گروه‌های مسلح کرد بازمی‌گردد. برای نمونه از دهه ۱۹۸۰ حزب کارگران کردستان ترکیه قدرت رزمی و توان عملیاتی بیشتری پیدا کرد. در سال ۱۹۸۴ ترکیه توانست همکاری نسبی عراق را در این زمینه جلب کند. این همکاری، به همراه بروز اختلاف میان حزب کارگران کردستان و حزب دموکرات کردستان عراق چنان مایه تضعیف حزب کارگران شد

● دیدگاه‌های توسعه طلبانه برخی از ملت‌گرایان ترك همواره ایران را نگران می‌ساخت زیرا این کشور احساس می‌کرد که آنان به خاک ایران چشم طمع دوخته‌اند.

● با وجود تنش‌های مطرح میان ایران و ترکیه، همکاری دو کشور همچنان ادامه دارد و حتی در برخی زمینه‌ها رو به بهبود است. نفس این واقعیت که ایران و ترکیه همسایه و با مشکلات مشترکی روبرو و ایند آنها را به جای برخورد به همکاری وامی‌دارد.

شدیدی برای توسعهٔ جو همکاری با کردها وجود داشته است.

حتی پیش از انقلاب اسلامی، رژیم شاه روابط پیچیده‌ای با کردها داشت و سقوط خاندان پهلوی به کام همهٔ کردها گوارا نبود. هر چند برخی از گروه‌های کرد از سرنگونی شاه سود بردند^{۳۳} اما پس از انقلاب گروه قدرتمند و متنفذ رؤسای طوایف کردمانند سرداران جاف، خانوادهٔ اردلان، و طایفهٔ پالیزبان و پیروانشان نفوذ سیاسی و اقتصادی خویش را از دست دادند و پیوسته برای تهران مشکل آفرینی می‌کردند.

ایران تنها کشوری در منطقه است که دارای استانی با نام رسمی و قانونی «کردستان» است. از این گذشته بسیاری از محدودیت‌های فرهنگی دورهٔ پیش از انقلاب دیگر وجود ندارد. همان‌گونه که یکی از نویسندگان می‌گوید «اجازهٔ انتشار و فروش نشریاتی به زبان کردی - حتی اگر ممیزی شوند با وضع موجود در نظام پادشاهی فاصلهٔ چشمگیری دارد. برخی نوشته‌ها به زبان کردی در مورد تاریخ سیاسی ایران یا کردها بدون هیچ دشواری در این کشور به فروش می‌رسد».^{۳۴} وانگهی در ایران کردها آزادی بیشتری برای فعالیت فرهنگی دارند. حتی سازمان‌های دولتی نشریاتی به زبان کردی و دربارهٔ زبان و فرهنگ کردی منتشر می‌کنند.^{۳۵} علت آن است که به‌طور کلی در ایران برای انتشار روزنامه‌ها و مجلات کردی یا مطالبی دربارهٔ کردها و تاریخیشان هیچ‌گونه محدودیتی وجود ندارد. [...] از نظر تبعیض مذهبی، در ترکیه و عراق «برای تصدی مقامات دولتی... معمولاً سنی‌ها را ترجیح می‌دهند».^{۳۶}

کردها جزو جدانشدنی و مهمی از تمدن ایرانند. قومیت و زبان آنها و نیز سنت‌هایشان مانند برگزاری جشن نوروز و الگوهای فرهنگی زندگی روزمره‌شان که بسیار شبیه بقیهٔ مردم ایران است گواه این امر است. برخوردها و درگیری‌هایی که میان حکومت و سازمان‌های کرد بروز می‌کرده عمدتاً سرشت سیاسی داشته و نتیجهٔ اعمال تبعیض قومی نبوده است. از این‌رو در سدهٔ بیستم هرگز مسئله کردهای ایران جلب توجه جامعهٔ بین‌المللی را نکرده است و هرگز نیروهای دولت ایران دست به قتل‌عام یا نسل‌کشی ایرانیان نکرده‌اند. در واقع از دههٔ ۱۹۳۰ به این‌سو بسیاری از رهبران شیعه ترک و کرد عراق که ناگزیر از دست شستن از مبارزه شده‌اند در ایران پناه جسته‌اند.^{۳۷}

مسئله در تاریخ معاصر، دولت ایران با جدا شدن کردستان از کشور به مبارزه برخاسته است. این‌گونه درخواست‌ها هرگز فارغ از تناقض نبوده و در گذر زمان با تغییر شرایط سیاسی دگرگون شده است. در اصل جز تهدید جدایی‌طلبی و تجزیهٔ ارضی هرگز ایرادی به تمنای خودگردانی کردها گرفته نشده است [...]. تمامی این واقعیت‌ها نشان‌دهندهٔ محدودیت‌های همکاری ایران و ترکیه در مورد مسئله کردهاست.

مشکلاتی که ترکیه در مورد مسئله کردها با همسایگانیش دارد به

● «اکسو» می‌تواند چارچوبی برای انواع مشخصی از اقدام دستجمعی در اختیار اعضا قرار دهد. البته تحقق چنین چیزی در گرو آن است که اعضای مؤسس این سازمان یعنی ایران، پاکستان و ترکیه تلاش‌ها و منافع خویش را هماهنگ سازند و از نقشه‌های جداگانهٔ خویش دست بشویند.

که این حزب نتوانست به آسانی به حملات خود بر نیروهای ترکیه ادامه دهد. بر این پایه حزب کارگران کردستان گزیری جز متمرکز ساختن نیروهای عملیاتی خود در سوریه نداشت. در سال ۱۹۸۷ نخست‌وزیر ترکیه برای تقویت همکاری‌های امنیتی توافقنامه‌ای با سوریه امضا کرد و آن کشور را داشت تا مانع فعالیت‌های چریکی حزب کارگران کردستان شود.^{۲۹} سوریه به سهم خود مایل است برای کسب امتیازاتی از ترکیه در اختلافاتی که با آن کشور بر سر استفاده از آب دجله و فرات دارد از موضوع کردها بهره‌برداری کند.^{۳۰}

جلوگیری مؤثر از فعالیت‌های حزب کارگران کردستان نخست در عراق و سپس در سوریه، این سازمان را به سمت همکاری با حزب دموکرات کردستان ایران سوق داد و موجب شد تا حزب کارگران برای وارد ساختن ضربه بر ترکیه زیرچتر حزب دموکرات جذب ایران گردد. روزنامه‌های ترکیه در سال ۱۹۸۸ پیوسته تهددات ایران بر اساس پیمان ۱۹۳۷ سعدآباد را به این کشور گوشزد می‌کردند.^{۳۱} این پیمان از امضاکنندگان (عراق، ایران، ترکیه و افغانستان) می‌خواست تا از مداخله در امور داخلی هم‌پرهیز و در زمینه‌های امنیتی با یکدیگر همکاری کنند و امنیت مرزهای مشترک خود را حفظ نمایند. در جریان بحران‌های مختلفی که پیرامون مسئله کردها پیش آمده ترکیه ایران را زیر فشار قرار داده است تا جلوی تحرکات کردها را در طول مرزهایش بگیرد. سیاست ایران در قبال ایرانیان کرد با سیاست ترکیه متباین است چون ایران به دلیل فرهنگ و تاریخ خود رویکرد متفاوتی اختیار کرده است. ایران نمی‌تواند این خطر را بپذیرد که به‌عنوان شریک جرم ترکیه در مسئله کردها شناخته شود.

در سال ۱۹۸۸ هنگامی که ترکیه و حزب کارگران کردستان این کشور درگیر جنگ شدیدی بودند ایران تماس‌هایی با حزب دموکرات کردستان ایران برقرار کرد [...]. عبدالرحمن قاسملو رهبر حزب دموکرات کردستان شروع به گفتگو با حکومت ایران کرد و اصرار داشت که به مصالحه‌ای دست یابد. اما در ژوئیه ۱۹۸۹ قاسملو [...] در وین به قتل رسید.^{۳۲} [...] از دیدگاه تاریخی همواره در ایران تمایل

● از آنجا که ترکیه سخت می‌کوشد خود را مدافع سیاست‌های غرب و دوست ایالات متحده در منطقه جلوه دهد طبیعی است که ایران احساس کند این کشور در واقع کارگزار خواسته‌های غرب است.

● تاریخ نشان داده است که بطور کلی ترکیه در برابر کردها به شیوه‌ای عمل کرده که موجب بروز مشکل با کشورهای هم‌مرزش شده است.

داشتند ترکها... شروع به مهاجرت به چین، هند، پس کرانه‌های آسیا، آفریقای شمالی و اروپا کردند و دستاوردهای فرهنگی سرزمین مادری خویش را به این نقاط منتقل ساختند. دیگر مسیریایی که این مهاجران در پیش گرفتند آنان را به کوه‌های اورال، دریای مازندران و از مسیر شمالی به دریای سیاه رساند.^{۴۱}

غرب به دلیل هراس از گسترش «بنیادگرایی اسلامی» ایران در آسیای مرکزی پشتیبان حضور ترکیه در این منطقه بود. با آغاز فروپاشی اتحاد شوروی، جمهوری اسلامی ایران نخست سیاست روشنی نداشت. در ابتدا ایران می‌کوشید تنها با مسکو گفتگو کند و مستقیماً به سراغ دولت‌های نواستقلال نرود؛ اما آرام آرام وضع جدید را پذیرفت. با این حال مرحله نخست مناسبات ایران و دولت‌های نواستقلال با سردرگمی آمیخته بود. دولت ایران که از زمان انقلاب تمایل خود را به اتخاذ سیاستی مستقل میان شرق و غرب جار زده بود به ناگاه شرق را از صحنه خارج دید و از همین‌رو برای مواجهه با پیامدهای تجزیه اتحاد شوروی و ظهور جمهوریهای تازه آمادگی نداشت.

در مرحله دوم، دولت ایران با برادران مسلمان جمهوریهای تازه اعلام همبستگی کرد. دولت ایران با وضعی روبرو شد که شناخت کاملی از آن نداشت. باخیزش گرایش‌های ملت‌گرایانه، دولت ایران بر یکپارچگی و وحدت اسلامی پای فشرد. در این مرحله دو کشور ترکیه و عربستان بشدت با وحدت اسلامی مورد نظر ایران مخالفت می‌کردند. ترکیه که می‌کوشید با فرهنگ غیرمذهبی خود با ایران به مقابله برخیزد در تلاش خود تا حدودی موفق بود ولی برای موفقیت کامل نیاز داشت تا از اقتصاد نیرومند خود کمک بگیرد. ترکیه برخلاف ایران به وحدت ترکها نظر داشت و تلاش می‌کرد تا حضور ترکها را در آسیای مرکزی تقویت کند.^{۴۲} در این تلاش، ترکیه با ازبک‌ها که آرزوی رهبری منطقه، رهبری «ترکستان بزرگ» را در سر داشتند

ایران محدود نمی‌شود. برای نمونه در سال ۱۹۸۹ روزنامه‌های ترکیه اعترافات یکی از فعالان حزب کارگران کردستان را منتشر ساختند که گفته بود «اتحاد شوروی مغز متفکر عملیات چریکی در جنوب شرقی خاک ترکیه بود و با سوریه و حزب کارگران کردستان يك اتحاد سه‌گانه تشکیل می‌داد».^{۳۸} بلغارستان و یونان از دیگر همسایگان ترکیه نیز از سوی برخی محافل این کشور به دلیل کمک‌رسانی ادعایی به حزب مزبور مورد حمله قرار گرفته‌اند. گزارش شده بود که یک اردوگاه آموزشی برای اعضای حزب کارگران کردستان در جزیره لاوربون (Lavrion) یونان وجود دارد.^{۳۹} این نمونه‌ها نشان می‌دهد که چگونه مشکل داخلی ترکیه با کردهای خودپای کشورهای همسایه این کشور را به میان می‌کشد و مناسبات طرفین را پیچیده و دشوار می‌سازد. تنها راه‌حل برای ترکیه، به توافق رسیدن با کردها و دیگر نیروهای مخالف داخلی، و پرهیز از کشیدن پای کشورهای منطقه به مسائل داخلی خود است.

ایران و ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز

فروپاشی اتحاد شوروی به این انتظار دامن زد که بازی بزرگ در آسیای مرکزی از نو تکرار شود، البته این بار میان ایران و ترکیه. منظور از «بازی بزرگ» یعنی اصطلاحی که نزدیک به ۱۶۰ سال رواج داشت^{۴۰} رقابت خونین روسیه و انگلستان در سده نوزدهم میلادی برای کسب برتری در آسیای مرکزی و هند از البرز تا اورست، از دریای سیاه تا خلیج بنگال، و از کوه‌های اورال تا گذرگاه خیبر بود. اما آنان که می‌پنداشتند شاهد تکرار این بازی خواهند بود خطا می‌کردند. ایران و ترکیه از توانایی‌های لازم برای چنین رقابتی بی‌بهره‌اند چه آنها قدرتهایی منطقه‌ای و نه جهانی‌اند.

پس از سقوط امپراتوری شوروی ترکیه به سرعت دست به گسترش نفوذ خود در آسیای مرکزی و قفقاز زد. علقه‌های تاریخی و عاطفی و نیز میل به تسلط یافتن بر بازارهای جدید این مناطق انگیزه بخش ترکیه بود. از زمان فروپاشی امپراتوری عثمانی برخی از روشنفکران ترکیه دیدگاهی احساسی در مورد آسیای مرکزی داشتند و نسبت به آن احساس «مالکیت» می‌کردند. نویسنده‌ای به نام تکین‌الپ (Tekin Alp) نوشته است که چهار جلد کتاب تاریخ ترکیه و جهان که از دهه ۱۹۳۰ در مدارس ترکیه تدریس می‌شود حاوی «ارزیابی تازه‌ای از نقش ملت ترک در پیشرفت فرهنگی بشر از دوران‌های پیش از تاریخ تا زمان ماست». موارد زیر برخی از نکاتی است که در این کتاب آمده است:

«سرزمین مادری ترکها آسیای مرکزی است که از... حوضه دریاچه بایکال تا کوه‌های آلتای، حوضه ایتل، دریای مازندران، هندوکش، و قراقرم و سرزمین‌های مجاور آن را دربرمی‌گیرد. آن هنگام که بقیه انسانها در درون غارها می‌زیستند و بدوی‌ترین زندگی را

کشورهای منطقه قفقاز مانند ارمنستان و گرجستان با ایران روابط خوبی داشتند.

سومین مرحله توسعه روابط ایران با جمهوریهای آسیای مرکزی با رویکرد واقع بینانه تری که بر درک پیچیدگی های منطقه پایه می گرفت مشخص می شد[...]. در نتیجه ایران تصمیم گرفت به گرایش های مختلف رایج در آسیای مرکزی توجه بیشتری نماید. به رغم زمینه های مشترک بسیاری که با ایران وجود دارد از جمله عامل همدینی، این مناطق برآستی بسیار متفاوت بودند و تهران گزیری جز عنایت به این امر نداشت.

در حال حاضر هدف اصلی جمهوری اسلامی ایران برقراری و تحکیم پیوندهای اقتصادی با آسیای مرکزی است. هدف از دیدار سال ۱۹۹۳ رئیس جمهور ایران از منطقه نه تبلیغ الگوی اسلامی یا زمینه چینی برای برتری یافتن اسلام ایرانی در تصمیم گیرها بلکه تقویت مناسبات عمومی بود. روابط اقتصادی بویژه به دلیل وجود مرزهای مشترک میان ایران و تعدادی از این کشورها می تواند موقع ایران را نسبت به ترکیه تقویت کند. اما دشواری اصلی فراروی ایران مشکلات اقتصادی است که مانند ترکیه برآورده ساختن نیازهای جمهوریهای آسیای مرکزی را برای آن دشوار می سازد.

با به اجرا در آمدن معاهده انتقال گاز طبیعی با ترکمنستان که براساس آن باید گاز این کشور با عبور از خاک ایران و ترکیه به اروپا برسد ایران و ترکیه انگیزه بالقوه ای برای بسط زمینه ای مشترک جهت همکاریهای آتی خواهند داشت. از دید ایران، ترکمنستان به دلیل هم مرز بودن با آن کشور و ثبات داخلی و چشم اندازهای اقتصادی که به هر دو کشور فرصتهایی برای تقویت مناسبات خویش می دهد اهمیت خاصی در میان کشورهای آسیای مرکزی دارد. یک سوم گاز صادر شده از ترکمنستان راهی ایران و نیم آن از طریق ترکیه تحویل اروپا می شود. باقیمانده را خود ترکیه برای مصارف داخلی خواهد

رودرو قرار گرفت. البته اندیشه تشکیل ترکستان بزرگ از سوی دیگر رهبران آسیای مرکزی مورد استقبال قرار نگرفت. بویژه قزاقستان و قرقیزستان هیچ گونه تمایلی به اندیشه پان ترکی و پان تورانی نشان ندادند. تنها توفیق (گذرای) ترکیه انتخاب ابوالفضل ایلیچی بی Abulfelz Elchibey از حامیان قدرتمند ترکیه به عنوان نخستین رئیس جمهور آذربایجان بود.

آنکارا از سیاستی دوسویه پیروی می کرد: هم فرهنگ غیر مذهبی خود را به کشورهای نواستقلال آسیای مرکزی عرضه می داشت و هم نوع خاصی از جنبش اسلامی را که در آن کشور وجود داشت به آنها پیشنهاد می کرد. هنگام به استقلال رسیدن جمهوریهای شوروی، کشورهای غربی بویژه ایالات متحده انتظار داشتند که «ترکیه بر نقش خود به عنوان سپر محافظتی اتحاد غرب بیفزاید و از دولتهای نوپدید که در شرق خاک آن کشور تا مرز چین سربر آورده بودند حمایت کند. این اندیشه فوراً به دل بسیاری از ترکها نشست و رؤیاهای فراموش شده ای را که درباره اتحاد همه ترکهای مسلمان دوردست - که در انتظار گام برداشتن به سوی رونق و شکوفایی غرب بودند - وجود داشت از نو زنده کرد. از دید ایالات متحده... با متلاشی شدن قدرت شوروی، ترکیه نماینده قابل اعتمادی بود که می توانست خلأ به وجود آمده در آسیای مرکزی را پر کند».^{۴۳} اما تلاش های ترکیه برای خارج ساختن ایران از صحنه آسیای مرکزی کافی نبود. «در این روزها ظاهراً آن رؤیا رنگ می بازد. این کشور ۶۰ میلیونی که بتازگی با مشکلات اقتصادی روبرو شده نتوانسته است نفوذ خود را بر منطقه قوام بخشد. سیاستگذاران این کشور تنها بتازگی فهمیده اند که جریان های متقاطع قومی و سیاسی منطقه تا چه حد می تواند دشواری آفرین باشد».^{۴۴}

در عین حال ترکیه و غرب در مورد خطر نفوذ بنیادگرایی مذهبی ایران در آسیای مرکزی مبالغه می کردند. «هراس از گسترش بنیادگرایی ایران در سراسر منطقه عراق آمیز جلوه داده شده است، گرچه هزاران مسجد ساخته و نوگشایی شده که برخی با کمک ایران بوده است. پس از دهه ها محرومیت اجباری از ارزشهای مذهبی، جان گرفتن دوباره علاقه مندی به اسلام امر غیر مترقبه ای نیست. هر چند بیشتر این علاقه ریشه در داخل دارد ولی هم ترکیه و هم عربستان در ترویج اسلام نقش دارند. روزنامه ترک زبان زمان به مدارس مذهبی کمک مالی می کند و سعودی ها نیز ضمن توزیع بیش از دو میلیون نسخه قرآن برای ساخت مساجد تازه پول خرج می کنند».^{۴۵}

عربستان، دیگر رقیب ایران در آسیای مرکزی است. این کشور با تکیه بر منابع پولی عظیم خود و نیز این واقعیت که اکثر مردم آسیای مرکزی سنی مذهبند موقعیت به وجود آمده را مغتنم شمرد. اما این کشور باید در جمهوری آذربایجان احتیاط پیشه می کرد نه تنها از آن رو که مذهب شیعه در آن کشور نیرومند است بلکه به آن دلیل که دیگر

● گرچه ترکیه کشوری اسلامی است ولی تلاش مستمر آن کشور برای به نمایش گذاشتن تصویری غرب گرایانه از خود، نقش منطقه ای آن را تیره و تار ساخته است.

● از زمان فروپاشی امپراتوری عثمانی، برخی از روشنفکران ترکیه دیدگاهی احساسی در مورد آسیای مرکزی داشتند و نسبت به آن احساس مالکیت می کردند.

داشت. از قرار معلوم ترکمنستان قادر خواهد بود مازاد گاز طبیعی خود را به دیگر کشورهای آسیای مرکزی و حتی قفقاز بفروشد.^{۴۶} در همین حال، یادآوری این نکته حائز اهمیت است که ایران این توانایی را دارد که بدون تکیه کردن به ترکیه، آسیای مرکزی را به بازارهای جهانی مرتبط سازد. از بنادر واقع در خلیج فارس و اقیانوس هند می‌توان به‌عنوان نقاط پیوند کشورهای آسیای مرکزی بهره جست. استفاده از این بنادر نه تنها از نظر اقتصادی عملی است بلکه می‌تواند به حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات موجود در خلیج فارس هم کمک کند. اگر غرب با این مسیرهای اضافی موافقت کند بسیاری از کشورهای منطقه چشم انتظار بهره بردن از چنین تحولی هستند. اجرای چنین طرح‌هایی نه تنها به کشورهای چین یا افغانستان کمک خواهد کرد بلکه همه دولت‌های حاشیه خلیج فارس می‌توانند از امکانات اقتصادی تازه‌ای غیر از تولید نفت بهره‌مند شوند. نظام بانکی توسعه یافته دولت‌های حاشیه خلیج فارس یکی از منابع تأمین سرمایه لازم برای اجرای این طرح‌ها و دیگر فعالیت‌های اقتصادی در منطقه است.

تنها جایی که ترکیه و ایران عملاً در تضاد با یکدیگر قرار گرفته‌اند جمهوری آذربایجان است. گرچه ترکیه و جمهوری آذربایجان مرز مشترکی با هم ندارند ولی نزدیکی جغرافیایی و مشابهت زبان آنها به همراه دشمنی تاریخی میان ترکیه و جمهوری ارمنستان از یک سو، و خصومت جاری میان جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان از دیگر سو سبب ایجاد نوعی هم‌نوازی و همبستگی کاذب میان ترکیه و آذربایجان شد. اما این وضع چندان نباید با سقوط ایلچی بی رئیس جمهور سابق آذربایجان که از هواداران ترکیه بود و به‌صورت نماد سیاست نادرست ترکیه در آذربایجان درآمده بود امکان بازگشت روسیه برای اعمال سلطه بر بازبهای سیاسی درونی این جمهوری فراهم شد. شکست ترکیه نشان داد که این کشور برای تأمین حضور دائمی خود در جمهوری آذربایجان نمی‌تواند به ایدئولوژی پان‌ترکیسم تکیه کند.

هم روسیه و هم غرب درباره نقش و توانایی‌های ترکیه در جمهوری آذربایجان تردید دارند. وقتی ژنرال گورس رئیس ستاد مشترک ارتش ترکیه اعلام کرد آنکارا قصد مشارکت در نیروهای صلح‌ساز کنفرانس امنیت و همکاری اروپا در ناگورنو قره‌باغ را دارد سخنگوی وزارت خارجه روسیه بلافاصله پاسخ داد که شرایط مشارکت ترکیه در این نیروها شرایط «پیچیده‌ای» است. براین اساس حضور نظامی ترکیه باید به تأیید جمهوری ارمنستان و نیروهای جدایی طلب ناگورنو قره‌باغ هم برسد.^{۴۷} مدتها پیش از این رویداد، کشورهای غربی نیز ناخشنودی خود را از دستاوردهای ترکیه در منطقه قفقاز ابراز داشته بودند. یکی از دیپلمات‌های غربی گفته بود: «سالها پیش می‌شد ترکیه را حامی آسیای مرکزی خواند ولی امروزه اوضاع فرق کرده است. اگر ترکیه نتواند در جمهوری آذربایجان نقش

یک بازیگر اصلی را بازی کند در کجا خواهد توانست؟»^{۴۸} ترکیه برای کسب نفوذ در جمهوری آذربایجان و جلوگیری از توسعه مناسبات میان تهران و باکو، روی ایلچی بی رئیس جمهور سابق آذربایجان خیلی سرمایه‌گذاری کرد. ایلچی بی مبلغ پان‌ترکیسم، وحدت با ترکیه، و سرانجام یکپارچه شدن دو آذربایجان - یعنی جمهوری آذربایجان و استان آذربایجان در ایران - بود. همین‌گونه سیاست‌ها در طول جنگ جهانی دوم منجر به بروز برخورد میان ایران و روسیه شده بود. در آن زمان کمونیست‌های آذری پیگیر سیاست جدایی استان آذربایجان از ایران با کمک ارتش سرخ بودند. گذشته از قدرتهای غربی و دولت ایران، خود آذربایجانی‌ها با قدرت در برابر تلاش‌های شوروی ایستادند، و به قدرت رسیدن کمونیست‌ها و جدایی این استان از خاک ایران را محکوم کردند. از آن زمان به این سو ایرانیان آذری خیلی بیش از گذشته در ساختار ملی ایران ادغام شده‌اند. مشارکت فزاینده ایرانیان آذری در اقتصاد کشور و ادارات دولتی حتی تصور جدایی طلبی را دشوار می‌سازد.^{۴۹} از این رو، شعارهای جدایی خواهی جذابی برای ایرانیان آذری ندارد [...].

تلاش‌های ترکیه برای سرکار نگه داشتن ایلچی بی نه تنها به شکست انجامید بلکه دشمنی روسیه را نیز که از جمله به نفت آذربایجان چشم داشت برانگیخت. براساس نوشته‌های روزنامه‌های غرب «مقامات دولتی و دیپلمات‌ها بر این گمانند که احتمال دارد میان ترکیه و روسیه بر سر نفت اختلافاتی بروز کند.»^{۵۰} با سقوط دست‌نشانده ترکیه در باکو، «از نفوذ ترکیه در چشم کشورهای خاوری آذربایجان هم کاسته شد.»^{۵۱}

تغییر رهبری و بازگشت کمونیست‌های قدیمی، به ایران فرصت

● ایران این توانایی را دارد که بدون تکیه کردن به ترکیه، و با استفاده از بنادر خود در خلیج فارس و اقیانوس هند آسیای مرکزی را به بازارهای جهانی مرتبط سازد. استفاده از این بنادر نه تنها از نظر اقتصادی عملی است بلکه می‌تواند به حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات موجود در خلیج فارس کمک کند.

● سقوط ایلچی بی نشان داد که ترکیه نمی‌تواند برای تأمین حضور دائمی خود در جمهوری آذربایجان به ایدئولوژی پان‌ترکیسم تکیه کند.

● اندیشه‌ی تشکیل ترکستان بزرگ از سوی رهبران آسیای مرکزی مورد استقبال قرار نگرفت. بویژه قزاقستان و قرقیزستان هیچ‌گونه تمایلی به اندیشه‌ی پان‌ترکی و پان‌تورانی نشان ندادند.

● روابط اقتصادی ایران با کشورهای آسیای مرکزی بویژه به دلیل وجود مرزهای مشترک میان ایران و تعدادی از این کشورها می‌تواند موقع ایران را نسبت به ترکیه تقویت کند.

ندارد. بطور کلی، با توجه به منافع متضاد دو کشور می‌توان گفت که از دیدگاه تاریخی، ایران در منطقه از جایگاه بهتری نسبت به ترکیه برخوردار است. جمهوری ارمنستان بر احتی نقش مسلط ترکیه را نخواهد پذیرفت ولی اگر غرب حمایت کند هیچ‌گونه مخالفتی با تلاش‌های میانجی‌گرانه ایران نخواهد داشت.^{۵۶} گرچه ایران برای احراز نقش میانجی ارمنستان و آذربایجان در منازعه ناگور نو قره‌باغ تلاش‌های چشمگیری به عمل آورده است ولی ترکیه و دیگر دولتهای غربی تمایلی به پذیرفتن نقش ایران در این قضیه ندارند. روسیه هم از همین سیاست پیروی می‌کند.^{۵۷}

نتیجه‌گیری

به گفته‌ی شیخ عطار از دیپلماتهای ایرانی، تحلیل رسمی ایران درباره‌ی نقش و جایگاه ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز را می‌توان چنین خلاصه کرد:

● مدل حکومتی ترکیه با سیاست عرفی‌گرایی آن، در پی جدایی دین و دولت است.

● مدل ترکیه با ایدئولوژی اسلامی در تضاد است و تنها به کار آن دسته از حکام منطقه می‌آید که از دین هراسناکند.

● کشورهای عضو ناتو، بویژه ایالات متحده بطور کلی پشتیبان تلاش‌های ترکیه برای رخنه کردن به آسیای مرکزی و منطقه قفقازند.

● مادام که ترکیه در جهت جلوگیری از نفوذ فکری و سیاسی ایران در منطقه عمل کند، غرب، روسیه و حکام جمهوریهای جدید از ایدئولوژی پان‌تورانیسم حمایت خواهند کرد.

● تلاش‌های ترکیه برای کسب موفقیت بیشتر در منطقه شامل چاپ و انتشار تبلیغات مذهبی و آموزش طلاب دینی هم می‌شود که سرانجام موجب تقویت گرایشها و جنبشهای اسلامی خواهد شد و این مغایر نیات واقعی دولت ترکیه است.

بهتری برای پیشرفت در جمهوری آذربایجان داد. حیدرعلی‌اف کمونیست کهنه‌کاری که پس از ایلچی‌بی به ریاست جمهوری آذربایجان رسید از شعارهای ضدروسی و ضدایرانی رهبران قبلی این کشور فاصله گرفت. تهران حتی پیش از به قدرت رسیدن علی‌اف، سوادهای او را پذیرفت و برای حمایت از وی اعلام آمادگی کرد. پس از آن، رهبران دو کشور با یکدیگر دیدار کردند و تمایل خود را برای تقویت مناسبات فی‌مابین اعلام نمودند. در جریان دیدار علی‌اف از تهران در تابستان ۱۹۹۴ مذاکراتی در مورد لغو مقررات روادید، احداث لوله‌های گاز از ایران به نخجوان، همکاری در زمینه‌های حمل‌ونقل، کشاورزی، کشتیرانی و نفت صورت گرفت.^{۵۲} این، چارچوب گسترده‌ای برای همکاریهای بعدی و سکوی مهمی برای بازگشت به جمهوری آذربایجان در اختیار ایران قرار می‌دهد. همکاریها شامل مسائل دریای خزر نیز می‌شود. ایران پیشنهاد کرده است سازمان جدیدی از کشورهای ساحلی این دریا تشکیل گردد. وزیر خارجه آذربایجان حسن‌حسن‌اف اعلام کرده است که به ایران همچون پل رابط کشورش با خلیج فارس می‌نگرد.^{۵۳} این نشانه آشکاری از تغییر موضعگیری آذربایجان از زمان سقوط ایلچی‌بی است.

در همین حال، جمهوری اسلامی ایران از بهبود فزاینده مناسبات جمهوری آذربایجان و غرب نگران است. در ژوئیه ۱۹۹۴ یک هیئت نظامی آمریکایی از این جمهوری دیدار کرد تا بر اجرای معاهده اروپا درباره نیروهای متعارف و برچیدن نیروهای غیرهسته‌ای نظارت نماید. علی‌اف رئیس‌جمهور آذربایجان این فرصت را مغتنم شمرد و اعلام کرد که کشورش خواهان بهبود مناسبات با ایالات متحده در زمینه‌هایی چند از جمله همکاریهای نظامی است.^{۵۴} در ژوئن همان سال مجله القدس که در مسکو منتشر می‌شود از تلاش ایران برای همکاری با روسیه جهت جلوگیری از حضور آمریکا در منطقه گزارش داد.^{۵۵} با توجه به تلاشهای پیشین ترکیه جای شگفتی نیست که نه تنها ایران بلکه روسیه و آمریکا هم با بدبینی به حضور ترکیه در منطقه می‌نگرند. در نتیجه احتمال می‌رود که کشورهای غربی هرچه بیشتر در صدد برقراری تماس با دولتهای منطقه قفقاز مستقل از ترکیه برآیند.

موقع جغرافیایی جمهوری ارمنستان و ایران مانعی فیزیکی بر سر راه ورود ترکیه به قفقاز و آسیای مرکزی است. از این رو، ترکیه به روابط حسن‌همجواری با ایران بیش از هر کشور دیگر منطقه نیاز دارد. در همین حال، همه این رویدادها نشان از وجود منافع متضاد دیگری هم دارد. هم ترکیه و هم ایران برای آنکه بتوانند نقشی در منطقه بازی کنند باید در پی تشکیل اتحادهای مختلف با دیگر بازیگران و طرف‌های منطقه‌ای باشند. به دیگر سخن، وضع حاضر نشان می‌دهد که سیاستهای آشکارا سودا زده‌شانی برای موفقیت

از جمله افغانستان، آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان را به عضویت در این سازمان ترغیب کرده است.

نقش اکو تسهیل همکاری در میان دولت‌های عضو و هماهنگ ساختن فعالیتهای منطقه‌ای آنها باهدف جلوگیری از بروز رقابت‌های غیرلازم است. اما مدتها زمان خواهد برد تا این سازمان به ساختار جامع و فراگیری دست یابد. نه تنها وجود دیگر قالبهای سازمانی برای همکاری مانند جرگه کشورهای مستقل مشترک المنافع، منطقه همکاری اقتصادی دریای سیاه،^{۶۰} و سازمان همکاری کشورهای حاشیه دریای مازندران سبب بروز برخی ابهامات و سردرگمی‌ها می‌شود بلکه متفاوت بودن سطح توسعه و تجربیات خود دولتهای عضو اکو نیز احتمالاً مانع تحقق اهداف اعلام شده توسط این سازمان خواهد شد. در واقع ممکن است اکو صرفاً چارچوبی برای حداقل همکاری در سطح منطقه باشد. با توجه به نبود سابقه همکاری منطقه‌ای در میان بیشتر دولتهای عضو اکو تشکیل سازمان‌های منطقه‌ای و دستجمعی قوی و مؤثر بسیار دشوار خواهد بود. بیشتر دولتهای عضو دست کم عضو پیوسته دیگر ساختارهای همسایه اکو هستند. اما با وجود همه این واقعیت‌ها اکو می‌تواند چارچوبی برای انواع مشخصی از اقدام دستجمعی در اختیار اعضا قرار دهد. البته تحقق چنین چیزی در گرو آن است که اعضای مؤسس این سازمان یعنی ایران، پاکستان و ترکیه تلاش‌ها و منافع خویش را هماهنگ سازند و از نقشه‌های جداگانه خویش دست بشویند.

بین ایران، ترکیه و سوریه نیز برای بحث درباره منافع مشترک موجود مشورت‌های منظمی صورت می‌گیرد. ششمین نوبت از این دیدارها که در دمشق برگزار شد به بحث درباره وضع شمال عراق از جمله جنبش کردها و حفاظت از تمامیت ارضی عراق اختصاص داشت.^{۶۱}

تاریخچه همکاری دوجانبه میان ترکیه و ایران به دهه ۱۹۳۰ بازمی‌گردد و در حال حاضر نقشه‌ها و طرح‌های بیشتری هم برای تقویت مناسبات دو کشور وجود دارد. طرح انتقال گاز ایران به اروپا از طریق خاک ترکیه در چشم آنکارا کاملاً جذابیت دارد.^{۶۲} از این گذشته، سهم قطعی ترکیه در طرح انتقال گاز ترکمنستان به اروپا می‌تواند همکاری آنها را در آسیای مرکزی سهل تر سازد.^{۶۳} شرکتهای ترک شدیداً به مشارکت در عملی ساختن این گونه طرح‌ها ابراز علاقه کرده‌اند. به همین ترتیب می‌توان با آینده‌نگری به تشکیل يك منطقه آزاد تجاری در شهر ماکو در نزدیکی مرزهای ترکیه، ارمنستان و نخجوان به عنوان یکی از طرح‌های دستجمعی ممکن که به همه کشورهای ذیربط سود خواهد رساند اشاره کرد.^{۶۴}

همچنین ایران و ترکیه پروتکلی برای همکاری‌های امنیتی و اعمال کنترل بر مرزهای مشترک خویش امضا کرده‌اند. در این پروتکل

● راهبرد ضد ارمنی ترکیه سرانجام به رویارویی ترکیه با غرب خواهد کشید.

● نداشتن مرز مشترک با کشورهای آسیای مرکزی به همراه دشواریهای اقتصادی مانع از آن خواهد شد که ترکیه بتواند بدون حمایت مالی کشورهای غربی سرمایه‌گذارهای چشمگیری در این منطقه نماید.

● ترکیه به دلیل عدم موفقیت در زمینه‌های اقتصادی به فعالیتهای فرهنگی خود (مانند گسترش شبکه‌های تلویزیونی، انتشار کتاب و مطبوعات) و تبلیغ پان‌تورانیسم افزوده است.^{۵۸}

زمینه‌های همکاری

با وجود تنش‌های مطرح میان ایران و ترکیه، همکاری دو کشور همچنان ادامه دارد و حتی در برخی زمینه‌ها رو به بهبود است. نفس این واقعیت که ایران و ترکیه همسایه و با مشکلات مشترکی رودرروند آنها را به جای برخورد به همکاری وامی‌دارد. در هر دو کشور نیروهایی جویای همکاری هستند که در برابر نیروهای خواهان رویارویی ایستاده‌اند. می‌توان زمینه‌های همکاری دو کشور را به دو بخش همکاریهای منطقه‌ای و توافقات دوجانبه تقسیم کرد.

از لحاظ قالبهای نهادین همکاری در سطح منطقه، مهم‌ترین سازمان اکو یا سازمان همکاری اقتصادی است. این سازمان که در سال ۱۹۸۵ به‌همت ایران، پاکستان و ترکیه تشکیل شد در واقع ادامه آرسی‌دی یا سازمان همکاری منطقه‌ای برای توسعه است که با عضویت همین سه کشور در سال ۱۹۶۴ تشکیل شده بود.^{۵۹} از زمان فروپاشی اتحاد شوروی، اکو بر دامنه اعضای خود افزوده و تعدادی از دیگر کشورها

● ایران و ترکیه دو کشور با اهمیتی هستند که با همه اختلافاتشان توانسته‌اند اراده خود را برای همزیستی مسالمت‌آمیز در سده بیستم به نمایش گذارند و اگر از سیاستهای پیش از حد سودایی پرهیز کنند مجال کافی برای همزیستی مسالمت‌آمیز در آینده خواهند داشت.

● ترکیه به دلیل توجه به منافع کوتاه‌مدت و محاسبات کوتاه‌اندیشانه در طول جنگ عراق با ایران نتوانست نقش میانجی میان دو کشور را بازی کند.

تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه نوین معتقدند که ملت‌گرایی ترک سنی در ترویج احساس وحدت و همبستگی در میان مردم داشته هر چند که در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ آکنده از افراط‌گرایی بوده است. در همین حال نویسندگان مزبور اذعان دارند که هدف از تأسیس انجمن تاریخ ترکیه مطرح ساختن این ادعا بوده است که ترکیه نخستین انسانهای «متمدن» و زبان ترکی نخستین زبان پدیدآمده بر روی زمین بوده است. ر. ک. شاو و شاو، پیشین، ص ۶۲۳. انجین آراین آتاتورک را پدر همه‌ترک‌های جهان و نه تنها ترک‌های ترکیه می‌خواند. ر. ک. به:

Engin Arin, *Atatürk, cüliük ve Moskofluk - Türkler Savaşı* (Istanbul, 1953).

به نقل از عنایت‌الله رضا، «ترکان، پان‌تورکیسم و پان‌تورانیسم»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۵۸، ص ۵۷-۶۱.

۷. در آغاز، رهبران انقلاب ایران به دیده‌بی‌اعتمادی به ترکیه می‌نگریستند. نهایتاً جنگ عراق با ایران رهبران ایران را به تجدید پیوندهای خود با آنکارا واداشت.

۸. کیهان، ۱۳۷۲/۱۱/۱۹، ص ۳.

۹. ر. ک. سلسله گزارش‌های روزنامه کیهان درباره‌ترکیه، غرب و اسلام‌خواهی در شماره ۱۳۷۲/۱۱/۱۱، ص ۱۲.

۱۰. یکی از نشریات اسلامی ترکیه زمان است. نخستین شماره این نشریه در نوامبر ۱۹۸۶ با شمارگان ده هزار نسخه در آنکارا منتشر شد. برپایه‌اعلام نشریه Middle East زمان ۱۲۵ هزار نسخه فروش دارد. کیهان ۱۳۷۲/۱۱/۱۱، ص ۱۲. برخی براین باورند که این نوع فعالیت‌ها از حمایت‌های سیاسی و مالی دولت ترکیه برخوردار است.

۱۱. هر چند در دوران حکمرانی خود مصطفی کمال، پان‌تورکیسم سیاسی از سوی دولت ترکیه تحمل نمی‌شد ولی این اندیشه در محافل فرهنگی و علمی زنده ماند و در طول جنگ جهانی دوم تسلط پیدا کرد. مذاکرات میان مقامات آلمانی و ترک در سالهای ۱۹۴۱-۴۴ نشان می‌داد که شخصیت‌های مهم ترک سنی در جلب حمایت آلمانها دارند. ترکیه علاقه‌مند بود دولتی تشکیل دهد که همه‌ترک‌های آذربایجان، ترکستان، ترکمنستان و ولگارا دربرگیرد. در طول این گفتگوها از آذربایجان ایران هم سخن به میان آمد. ظاهر آلمانی‌ها مایل بودند از تجربه‌ترکیه در نواحی اشغال‌شده بهره‌گیری کنند.

Charles W. Hostler, *Turkism and the Soviets* (London: George Allen and Unwin, 1975), pp.171-6.

به نقل از ک. بیات «پان‌ترکیسم و ریشه‌های تاریخی آن»، نگاه (نویسنده تهران ۱۳۷۰)، ش ۴، ص ۷۱.

دمیرل در گفتگو با رادیو بی‌بی‌سی در ۱۲ ژوئیه ۱۹۹۲ یادآور شد که ترکیه از آغاز هم‌امپراتوری بوده است.

در گذشته برخی نشریات ترک مرزهای مطلوب جهان ترک و ملت ترک را ترسیم کرده‌اند. برای نمونه نگاه کنید به نقشه‌پان‌ترکی که از مدیترانه تا آسیای مرکزی را دربرمی‌گیرد و بر روی جلد شماره ۱۱ (ژوئیه ۱۹۴۱) نشریه ادواری *Bozkurt* (گرگ خاکستری) چاپ شده است. شعار این نشریه این بود «تزد ترک برترین تزداهاست». این نقشه در اثر زیر به چاپ رسیده است:

که در ژوئن ۱۹۹۴ به امضا رسید هر یک از دو کشور پذیرفت که اجازه ندهد دشمنان کشور دیگر از خاکش استفاده کنند. ۶۵ به دیگر سخن، ترکیه به تبعیدیان ایرانی اجازه نخواهد داد تا در درون مرزهایش دست به فعالیت سیاسی بر ضد جمهوری اسلامی ایران بزنند و ایران نیز مانع خواهد شد که حزب کارگران کردستان ترکیه از خاک ایران برای حمله به ترکیه استفاده کند.

در ژوئیه ۱۹۹۴ در جریان دیدار دمیرل رئیس‌جمهور ترکیه از ایران موضوعات زیر در قالب یک طرح جامع مورد مذاکره قرار گرفت: حمل کالا از ایران به اروپا از طریق خاک ترکیه و از ترکیه به کشورهای آسیایی و خلیج فارس؛ متصل ساختن خطوط آهن دو کشور؛ احداث جاده‌ها؛ تقویت اکو؛ انتقال گاز ترکمنستان از ایران به ترکیه؛ و همکاری‌های امنیتی. ۶۶ جالب توجه آنکه هیچ توافق قابل‌ذکری درباره‌موضوعات فرهنگی حتی مورد بحث هم قرار نگرفت. دمیرل با تأکید بر تفاوت رویکردهای دو کشور در قبال مسائل فرهنگی یادآور شد که چون ۹۸ درصد ترک‌ها مسلمانند خطاست که نتایج جدیدترین انتخابات این کشور را به‌عنوان پیروزی مسلمانان تعبیر کنیم چرا که دولت غیرمذهبی ترکیه با دین سرستیز ندارد بلکه تنها با استفاده سیاسی از دین مخالف است. ۶۷

ایران و ترکیه دو کشور با اهمیتی هستند که با همه‌اختلافاتشان توانسته‌اند اراده‌خود را برای همزیستی مسالمت‌آمیز در سده بیستم به اثبات رسانند. توانایی این دو کشور برای ادامه دادن به روابط حسن‌همجواری بستگی به دو عامل دارد: چگونگی تفسیر آنها از رویدادهای منطقه و بقیه دنیا، و شخصیت‌هایی که در هر کشور بر سر کارند. هر دو کشور اگر از سیاستهای بیش از حد سودایی پیروی نکنند مجال کافی برای همزیستی مسالمت‌آمیز خواهند داشت.

یادداشت‌ها

۱. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران (تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴)، ص ۳۹۴-۵.

۲. همان.

۳. در همان سال ایران و ترکیه چندین معاهده منعقد ساختند. ر. ک. اسناد معاهدات دوجانبه ایران با سایر دول (تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۱)، ص ۴۵-۹۹.

۴. همان، جلد دوم، ص ۱۴۹-۱۲۷؛ کیهان، ۱۳۷۳/۵/۱، ص ۶؛ و استانفورد شاو و ایزل کورال‌شاو، تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه نوین ۱۹۷۵-۱۸۰۸، ترجمه م. رمضانزاده (مشهد: انتشارات آستان قدس، ۱۳۷۰)، جلد دوم، ص ۷۱۱-۲.

۵. برپایه‌خاطرات شفاهی دکتر محمدامین ریاحی وابسته فرهنگی وقت ایران در ترکیه که در سال ۱۳۶۹ در تهران بازگو شده است.

۶. درباره‌سرشت ملی‌گرایی ترک اختلاف نظر هست. نویسندگان کتاب

Lynne Rienner Publishers, 1992), pp.51-3.

29. Entessar, **op. cit.** p.99.

30. **Ibid.**

31. **Ibid.**

32. David McDowall, **The Kurds: A Nation Denied** (London: Minority Rights Group, 1992), p.78.

33. **Ibid.**, p. 73.

34. **Ibid.**, p.79.

۳۵. یکی از سازمان‌های دولتی ایران یک فرهنگ مهم و گرانقیمت زبان کردی منتشر ساخته است. ر. ک. هزار، فرهنگ کردی به پارسی (تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۰).

36. MC Dowall, **op. cit.**, p.79.

37. Entessar, **op. cit.**, chs 2,3 and 4, pp.11-112.

38. **Ibid.**, p. 100.

39. **Ibid.**

۴۰. این اصطلاح را نخستین بار کانولی یکی از کارگزاران انگلیس در هند به کار برد.

G. L. Bondarevsky, "Lest We Forget", **Central Asia and the Caucasus in World Affairs**, December 1, 1992, p.1.

41. Alp. **op. cit.**, pp. 215-218.

۴۲. تورگوت اوزال رئیس جمهور پیشین ترکیه پیش از مرگ در ۱۷ آوریل ۱۹۹۳ «به همراه هیئت بزرگی از تجار ترک دیداری طولانی از جمهوری آذربایجان و جمهوری‌های ترک‌زبان آسیای مرکزی به عمل آورد. گرچه وی منکر وجود سوداهای استیلاطلبی در این دیدار بود ولی در پی آن ژنرال گورس رئیس ستاد مشترک ارتش ترکیه نیز در ماه مارس دیدار مشابهی از این جمهوری‌ها به عمل آورد که نشانه درجه‌علاقه‌مندی ترکیه به آسیای مرکزی است». در این دیدار کرا ابر و وجود پیوندهای فرهنگی و اقتصادی تأکید شد.

Central Asia Newsfile (London: School of Oriental and African Studies, 1993), no.6, p.4.

43. Alan Cowell, "Turkey Loses its Allure as a Patron in Central Asian Nations", **The New York Times**, August 4, 1993.

44. **Ibid.**

45. Tira Shubert, **Central Asia and the Caucasus in World Affairs**, 1992, pp.4-5.

46. **Ibid.**, pp.10-11.

تحولات سال ۱۹۹۵ تکمیل این طرح را بسیار بعید ساخت.

۴۷. کیهان، ۱۳۷۳/۴/۲۳، ص ۱۶.

48. Cowell, **op. cit.**

۴۹. آثار بسیاری در این زمینه وجود دارد که می‌توان بدانهار رجوع کرد. بررسی نخبگان ایرانی نشان‌دهنده سهم چشمگیر ایرانیان آذری در ساختار قدرت کشور است. ر. ک. زهر اشادجی، نخبگان سیاسی ایران (تهران، نشر سخن، ۱۳۷۲).

50. Cowell, **op. cit.**

51. **Ibid.**

Pän - Turkism and the Question of Azerbaijan, Armenian Popular Movement, Beirut, 1992, p. 57.

همچنین نگاه کنید به نقشه‌ای که از قرار معلوم نخستین بار توسط کنفدراسیون اروپایی روشنفکران ترک با عنوان «ترکیه در سده بیست و یکم» منتشر شده است و شامل یاکو، تبریز، موصل و کرکوک می‌باشد. این نقشه در مأخذ زیر مجدداً به چاپ رسیده است:

Elefterotypia (Athens), July 31, 1992.

۱۲. تکین الپ در مقاله‌ای با عنوان «احیای تاریخ ترکیه» تفسیر مشروحی از اندیشه‌هایی به دست می‌دهد که محققان ترک در تأیید این نظریه که ترک‌ها تمدن را برای بشریت به ارمان آورده‌اند مطرح ساخته‌اند.

Tekin Alp, "The Restoration of Turkish History", in Elie Kedouri (ed.), **Nationalism in Asia and Africa** (New York and Cleveland: Meridian Books, 1970), pp. 207-224.

13. Albert Hourani, **A History of the Arab Peoples** (Faber and Faber, 1990), pp. 308-310; and Ziya Gökalp, "The Idea of Nationalism: Three Currents of Thought", in Kedouri (ed.) **op. cit.**, p. 190.

۱۴. پیش از انقلاب اسلامی شماری از ایرانیان تبعیدی برای آموزش نظامی به اردوگاه‌های فلسطینی می‌رفتند. در سال ۱۹۷۹ جوانان مسلمان ایران به تقلید از جنگجویان فلسطینی چفیه بر گردن می‌انداختند.

۱۵. ژنرال واترز معاون فرمانده کل نیروهای ناتو در یک کنفرانس مطبوعاتی که در مسکو برگزار شد به خبرنگاران گفت که باید امنیت حضور ناتو در آسیای مرکزی را با مبارزه با بنیادگرایی و مقاومت در برابر نفوذ خرنده ایران در آن منطقه تأمین کرد. کیهان ۱۳۷۲/۱۲/۷.

16. Elisabeth Picard, "Relations Between Iran and Its Turkish Neighbour: From Ideological to Geopolitical Constraints", in Derek Hopwood, Habib Ishow, and Thomas Koszinowski (eds.) **Iraq: Power and Society** (Reading: Ithaca Press, 1993), pp.348-9.

۱۷. ترکیه هم عضو شورای اروپا و ناتو است و هم می‌کوشد تا به عضویت کامل اتحادیه اروپا درآید.

۱۸. ژنرال دوگان گورس، «سیاست دفاعی ترکیه: نقش نیروهای مسلح، و استراتژی، مفاهیم، و توانایی‌ها»، مجله سیاست دفاعی، زمستان ۱۳۷۲، صص ۱۴۶-۱۳۱.

۱۹. همان.

۲۰. کیهان، ۱۳۷۲/۱۱/۱۲، ص ۱۹.

۲۱. همان و کیهان، ۱۳۷۲/۱۱/۱۶، ص ۳.

۲۲. کیهان، ۱۳۷۱/۷/۲۱، ص ۷.

۲۳. کیهان، ۱۳۷۲/۱۲/۱۹، ص ۲۰.

۲۴. کیهان، ۱۳۷۲/۱۰/۲۹، ص ۱۶.

۲۵. کیهان، ۱۳۷۲/۱۱/۱۱، ص ۱۲.

۲۶. کیهان، ۱۳۷۲/۱۱/۱۷، ص ۱۴.

۲۷. کیهان ۱۳۷۲/۱۲/۳، ص ۷.

28. Feroz Ahmad, **The Making of Modern Turkey** (London and New York: Routledge, 1993), p.48, and Nader Entessar, **Kurdish Ethnonationalism** (Boulder & London:

بلغارستان، رومانی، اتحاد جماهیر شوروی و ترکیه بود ولی در نشست سال ۱۹۹۲ این سازمان ترکیه، روسیه، یونان، جمهوری آذربایجان، ارمنستان، آلبانی، بلغارستان، رومانی، اوکراین، گرجستان و ملداوی شرکت داشتند که خود نشان می‌داد این سازمان محدود به کشورهای همجوار دریای سیاه نیست و اعضای از آکو نیز در آن حضور دارند. فصلنامه بررسی‌های آسیای میانه و قفقاز، پیشین. صص ۳۷۷-۳۷۸.

۶۱. همان.

۶۲. کیهان ۱۳۷۲/۱۱/۵، ص ۳.

۶۳. ناظرانی از ترکیه، روسیه و قزاقستان به کمیته مشترک ایران و ترکمنستان که برای عملی ساختن این طرح تشکیل شده بود پیوستند. ریاست این کمیته را رئیس جمهور ترکمنستان صفر مرادنیازوف و وزیرای انرژی دو کشور برعهده دارند. کیهان، ۱۳۷۳/۵/۳۱.

۶۴. کیهان ۱۳۷۳/۵/۳۰، ص ۳.

۶۵. کیهان ۱۳۷۳/۳/۲۵، ص ۳.

۶۶. کیهان ۱۳۷۳/۵/۴، ص ۳.

۶۷. همان.

۵۲. کیهان ۱۳۷۳/۷/۸، ص ۳.

۵۳. کیهان ۱۳۷۳/۱/۷، ص ۳.

۵۴. کیهان ۱۳۷۳/۴/۳۰، ص ۱۸.

۵۵. کیهان ۱۳۷۳/۳/۳۱، ص ۷.

۵۶. به گفته لئون پتروسیان هر چند افکار عمومی ایران به طور کلی طرفدار جمهوری آذربایجان است ولی دولت ایران مصمم است برای حصول صلح در قضیه ناگورنو قره‌باغ نقشی سازنده ایفا کند.

۵۷. به نوشته روزنامه اطلاعات، بیل کلینتون رئیس جمهور ایالات متحده با خواست‌های ارمنستان و نیز با حضور نیروهای روسیه در منطقه موافقت دارد. ضمیمه اطلاعات، ۱۳۷۳/۵/۲۹، ص ۱.

۵۸. الف. شیخ عطار، ریشه‌های رفتار سیاسی در آسیای مرکزی و قفقاز (تهران، انتشارات وزارت خارجه، ۱۳۷۱)، صص ۶۴-۶۱.

۵۹. سروش عرفانی «ایران، آکو و آسیای مرکزی»، فصلنامه بررسی‌های آسیای مرکزی و قفقاز، جلد ۲ (بهار ۱۳۷۳)، صص ۳۴۴-۳۴۳.

۶۰. اندیشه تشکیل این سازمان را تورگوت اوزال رئیس جمهور فقید ترکیه در سال ۱۹۸۹ مطرح ساخت. این منطقه اقتصادی در ابتدا شامل

مبانی تاریخی، سیاسی و حقوقی حاکمیت ایران

بر جزایر تنب و ابوموسی

دکتر داود هرمیداس باوند

ترجمه دکتر بهمن آقائی

کتابخانه دانش - قیمت ۳۵۰ تومان



نظریه‌های تحریم اقتصادی

مصطفی زهرانی

انتشارات وزارت امور خارجه

قیمت ۹۳۰ تومان

